هر کس درمقابل این حکم تمرد کند بقوه قهریه گرفتار ومجازات خواهد شد.

ازمجامع ومطبوعاتی که موجب فساد وهیجان باشد بقوه قهریه جلوگیری خواهد شد.

ناصرالاسلام - اولا این که هر اظهاری میشود بعضی ها جواب میدهند که اگر بوزراء اطمینان دارید این مذاکرات را نکنید استدعا داریم این فرمایشات را نکنید وزراء البته طرف اعتماد هستند و بآنها اطمینان داریم ولی مقام عصمت که از برای آنها قائل نیستیم البته آنچه که بنظر ما میرسد باید بگوئیم والا اگر این طور نباشد پس ما نباید هیچوقت سئوال یا استیضاح کنیم بجهت اینکه وزراء که محل اعتماد هستند سئوال و استیضاح لازم نیست وثانیاً اینکه آن لفظ غیر مطیع را بر دارند بجهت اینکه شاید خیلیها بگویند که ما مطیع هستیم واصلحه را خلع نکنند و حال اینکه همان اشخاص بیشتر ازسایرین منشاء فساد میشوند.

وزیرجنك — هیچ این فرمایش را که می کنند بنده قبول ندارم و مخصوصاً کلمه (غیرمطیع) را بنده لازم میدانم وتقاضا میکنم که باشد.

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد بعد از اصلاحات بطوریکه قرائت شد کسانیکه تصویب می کنند برای مدت سه ماه در طهران اختیارات تامه به ترتیبی که در پیشنهاد ذکر شده است بهیئت وزراء داده شود قیام نمایند (اغلب قیام کردند.)

رئیس - باکثریت تصویب شده.

اینجا یکی از وکلا یاد آوری کرده یعنی سئوالی داشته است ولی چون وقت نداریم و لابد هیئت وزراء خواهند تشریف برد برای اجرای این پیشنهاد مذاکره از آن نمی کنم همینقدر محض یادآوری عرض میکنم که مجلس شورای ملی خیلی از بابت جنوب نگران است.

وزیرداخله — نسبت بجنوب خیلی اقدامات شده است چندین تلگراف شده و چند فقره جواب هم رسیده است وبقدر امکان مشغول اقدامات دیگر هستیم کوتاهی نخواهد شد.

معززالملك - حکومت را تغییر بدهند.

وزیرداخله — اوضاع جنوب را لازم نیست از وزراء استیضاح بخواهند سردار اسعد اینجا هستند وبهتر از همه کس از ترتیبات آنجا مسبوقند هر وقت مطلبی یا مذاکره باشد از ایشان بخواهند خواهند جواب داد.

حاج آقا - اگر چه وقت گذشته شرح وقایع و بلیه های فارس را عرض کنم و گمان می کنم آقایان وزراء و اکثری از وکلا میدانند که چه ابتلائاتی در ولایت فارس پیدا شده است آنروز عرض کردم و امروز هم عرض می کنم ظفرالسلطنه قابل حکومت فارس نیست و خواهش میکنم از آقای وزیر داخله که یك عطف توجهی بفارس بنمایند ظفرالسلطنه را بخواهند وزودتر یك حکومت مقتدر کافی معین کنند و حالا چون وقت نداریم نمی خواهم کارهای او را جزء جزء عرض کنم همینقدر می گویم ظفرالسلطنه را اگر بخواهند واو را بعدلیه بکشند بنده متعهد میشوم شخصاً با او طرف شده وتقصیرات او را ثابت کنم.

رئیس - جلسه روز پنجشنبه و دستور آن همان دستور سابق است.

(رئیس حرکت کرد و مجلس یك ساعت و نیم بعد ازظهر ختم گردید.)

جلسه ۱۲۶

صورت مشروح روز شنبه

سلخ شهر رجب المرجب ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر در تحت ریاست آقای ذکاء الملك تشکیل شد.

صورت مجلس سه شنبه ۲۶ را آقای معاضدالملك قرائت نمودند.

رئیس - اگر درصورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید.

افتخارالواعظین - بلی بنده درصورت مجلس سئوالی داشتم که آنروز آنچیزی که ازطرف هیئت وزراء بمجلس پیشنهاد و پذیرفته شد آیا اجرای همان قانونی بود که ازمجلس گذشته بود یا اینکه این خودش یك قانون مخصوصی بود که از مجلس گذشت اگر اجرای همان قانونی بود که سابقاً گذشت این اعلاناتی که کرده اند که فلان جا را تیرباران کنند.

رئیس — فرمایش شما اگر راجع بصورت مجلس است بفرمائید.

افتخارالواعظین - بلی درصورت مجلس است درصورت مجلس چه چیز پیشنهاد شده است، قانون سابق است یا چیز دیگر.

رئیس — تأمل بفرمائید اینکه می گویند اگر درصورت مجلس ملاحظه است یعنی اگر چیزی درصورت مجلس نوشته شده که درآن روز واقع نشده یا اینکه واقع شده ولی اشتباهاً نوشته شده یا فلان چیز حك شده یك مسئله آن روز در اینجا مطرح شد که آقایان مسبوقند و پیشنهادی هم که در آن خصوص در مجلس شد ورأی گرفته شد در اینجا نوشته شده است حالا شما اگر ایرادی ونظری دارید باید بفرمائید آن چیزی که نوشته شده با آنچه گذشته است مطابق نیست یا آنکه بطور صریح نوشته نشده است.

حاجی سیدابراهیم - راجع بصورت مجلس عرضی نداشتم همینقدر میخواهم عرض کنم که اینگونه مطالب راجع بصورت مجلس هست باید یك فکر دیگری بکنیم.

رئیس - آقای دکتر حیدر میرزا پیشنهاد کرده اند در خصوص انتخاب هیئت نظار خمسه و گمان می کنم این لازم به پیشنهاد نیست بجهة اینکه این مطلب چند دفعه درجزء دستور بوده است ولی مسئله اینجا است وقتی که این مطلب مطرح شد بین نمایندگان اختلاف شد که آیا مراد ازقرعه متعارفی است یا چیز دیگر ومشکلاتی درطریق این نظار خمسه مطرح شد که راجع بود که آیا انتخاب این علما در قانون اساسی که نوشته شده است باتفاق یا قرعه اختلاف شد که مقصود ازاین لفظ آیا ورقه کشیدن است یا رأی گرفتن چون این اختلاف آراء پیدا شد یك کمیسیونی مجلس انتخاب نمود برای حل این اختلاف وآن کمیسیون این مطلب را مطرح مذاکره خود قرار داده وبمجلس راپورت دادند و خواندند وآن راپورت در مجلس مطرح مذاکره شد بعد یك مسئله دیگری بمیان آمد و اهم بود بعبارت اخری وزرا بمجلس آمدند ویروگرام خودشان را آوردند بعد دیگر وقت نشد البته این مطلب همان طور در دستور مجلس است این مذاکرات را تمام میکنم ومعلوم کنیم و این انتخاب ازچه قرار است بعد انتخاب خواهد شد حالا که این گفتگو شد در دستور مجلس بوده است وبازهم هست خواهش میکنم از آقایان وکلاء که رأی خودشان را بگویند حالا بازهم اگر میل دارند راپورت خوانده شود بفرمایند

محمدهاشم میرزا - از اول این یك اشکال علمی نبود وبعد از آنی که بکمیسیون رجوع شد و راپورت داد بعداز مذاکره معلوم شد که فقط نظریات مختلف بوده است کمیسیون هم یکعقیده را اظهار کرده بود که هیچ ممکن نبود قبول شود وهرقدر هم دراین خصوص مذاکره شود گمان نمیکنم فائده داشته باشد عقیده ام این است که اگر خیال نتیجه گرفتن دارید اول رأی گرفته شود شاید اتفاق آراء درباره آنها حاصل شود یادر باره بعضی از آنها آنوقت برای شعبه شان قرعه کشیده شده معین شوند والا اگر بنا باشکال باشد بنده میتوانم سیصد اشکال منطقی از برای این بتراشم نبایست برای هراشکالی وقت مجلس را تلف نمود

رئیس — صحیح است بنده عرض کردم که راپورت کمیسیون قبول شد عرض کردم اختلاف نظری بود حل شد یعنی کمیسیون هم چیزی اظهار کرده است ولی معین نشده که مجلس باآن کمیسیون موافق است یا خیر؟

حاج آقا - کمیسیون رأی خودش را اظهار کرد ودر مجلس هم مذاکره شد وهرقدر دراین باب مذاکره شود مکررات است پس خوب است ابتدا رأی گرفته شود شاید درباره تمام یادو نفر یا سه نفر اینها اتفاق حاصل شود آنوقت باقی را بقرعه معین کنند.

رئیس - گمان میکنم که مخالفی در این باب نیست ولی عده برای رأی گرفتن کافی نیست پس خوب است آقایان نمایندگان هرفرمایشی دارند بفرمایند تاعده کافی شود.

وکیل التجار - یکمقدمه دیگری بود که گویا فراموش شده است وآن دستخط آیت الله نجف بود که یکنفر را ازعلماء معرفی کرده بودند که بنا بود تلگرافش خوانده شود وخوانده نشد وآن مقدمه این انتخاب است ومن هم در انتخاب بااین هیئت همراهم حالا خواهش میکنم تلگراف خوانده شود

رئیس — بلی درباب آن یکنفر یك دستخط علیحده شده بود و حالا حاضر است خوانده میشود

(آقامیرزا ابراهیم خان دستخط تلگرافی آیة الله نجف را قرائت نمود مشعربر اینکه جناب مستطاب حاجی شیخ محمد هادی مجتهد قاینی که از جمله اخیار و وجودش در بیرجند مانند گنج در خزانه ها مجهول

است چون در قانون اساسی شرط نشده است که بیست نفر را بشرط عدم زیاده بمجلس معرفی نمایند ایشان را بمجلس مقدس معرفی می‌نمایند که یا در جزءپنج نفر یا اگر نمایندگان محترم صلاح بدانند که بیش از پنج نفر را برای نظارت انتخاب کنند ایشان را هم درانتخاب منظور بدارند .

آقاشیخ علی - میخواستم عرض کنم هر چه این مسئله زودتر بگذرد بهتر است واینکه بعضی گفتند که باید اعلم به مقتضیات وقت باشداین مطلب راگمان میکنم‌شرط نیست همین قدرکه عالم به مقتضیات وقت‌باشد کافی است دیگر نباید حتماً دقت کردکه‌اعلم باشد .

رئیس - آقایانی که‌فرمودنداعلم باشدحکم کردندکه بایدحتماً اعلم باشد بلی‌اگر بتوانیم‌اعلم را انتخاب کنیم بهتراست .

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - بنده میخواستم یك اشتباهی‌را رفع کنم لفظی‌راکه استعمال کرده‌اند اگر چندین سال قبل باشد که ما اطلاع ازوضع موضوع له آن نداشته باشیم وحالا در معنای آن دقتگو کنیم‌واختلاف‌شودکه آن معنی مراداست یا آن معنی دیگر چون معنای مراد مشتبه است عیب نداردوباید مدلل داشت‌که دراین استعمال‌خاص این معنی مراد است اما چیزی‌راکه خودمان گفتیم ووضع کردیم مثل‌لفظ‌قرعه که الان اصطلاح درمیان ماست جای‌هیچ اشکال نیست حالا اگر من بگویم از لفظ قرعه چه میفهمید مسلم است همین معنی خاص مصطلح را میفهمند و این اشکال نداردحالا ما چکار داریم که دراصل لغت چه معنا دارد .

حاج آقا - عرض کردم‌در راپورت‌هم‌ذکر شده‌بودکه در کتب عرب قرعه را استعمال در استخراج رأی باوراق کرده‌اند شامل اکثریت‌است واینکه می فرمایند این‌عبارت‌راآنوقتی که‌نوشته‌اند آقای آقاشیخ‌ابراهیم‌آقا نوشته اندکه یك‌جماعتی از علمای طهران بودند و این ماده را پیشنهاد کرده‌اند وتصویب شداین عبارت عبارت فقهی‌است یك عبارت خارجی نیست یك عبارت عربی است نظر کمیسیون‌هم‌خیلی‌بادقت بوده‌است‌ولی‌عرض کردم براپورت کمیسیون رأی بگیرنداگرمجلس تصویب کرد چه بهتر والا بهمانطور که می‌فرمایندبقرعه مصطلح‌رأی گرفته‌واکثریت‌می‌شود واینکه‌فرمودند قرعه بمعنی اصلاحی است‌یعنی اوراق منتشره اگر دراین معنا یك حقیقت ثانوی پیدا کرده است باید آنرا تصدیق کرد ولی اگر یك لفظ عربی باشد همین طورکه در سایر کتب متداول است اینقدر فحص ودقت لازم ندارد .

رئیس - در هر صورت‌بنده خیلی میل‌دارم که که امروز این رأی گرفته شود و عمل‌ختم شود حال منتظریم عده‌کافی شود .

حاجی‌عزالممالك - می خواستم همان فرمایش آقای آقا شیخ ابراهیم را عرض‌کنم حالا اگر بخواهیدرأی بگیرید حرفی‌ندارم ولی مقصود از قرعه معمولی است .

حاج سید ابراهیم مدرسی - بنده عرض میکنم در باب اینکه مخبر کمیسیون‌می‌فرماید بنده نمی توانم قبول کنم بجهت‌اینکه قرعه را برای‌این قرارداده‌اند که درکارهائی که دچار مشکلات‌میشوند و راه خلاصی برای آن ندارند درآنجا بقرعه آن کار را تمام میکنند و علاج را قرعه می‌دانند و میگویند (القرعه‌لکل‌امرمشکل)واینکه کمیسیون راپورت داده است‌هیچ کس نمی تواند تصورکند و در هیچ یك‌از کتب‌لغت‌ومنطق هم‌نیست و ندیدیم که باین معنی استعمال کنند حالا همانطوری که در قانون اساسی است که یا باتفاق یا بقرعه چون معنی قرعه را اینطور که کمیسیون رأی داده است بگوش مردم آشنا نیست اگرمجلس‌می‌خواهدهمان معنی را اختیارکند خوب است رأی گرفته شود که توضیح شود مراد از قرعه‌در قانون اساسی چیست ولی عقیده بنده این است که ابتداء اخذ رأی شود شاید در باره تمام این پنج نفر واگرنشد اقلا در باره‌دوسه‌نفر ازاینها اتفاق حاصل شودآنوقت در باره سایرین بقرعه یا باکثریت هر طوری‌که مجلس تصویب کرد ورأی داد رفتار شده و این مذاکرات ختم‌شوددیگر اینکه این معنائی که از کمیسیون راپورت داده‌شده است لازم است عرض کنم افراد کمیسیون هم‌خودشان قبول‌دارند که‌آن معنی صحیحی نیست

حاج آقا - من خیلی تعجب می کنم وقتی می گویند عده کافی نیست وبعدهم گفته می‌شودکه مذاکرات تمام شد چون عده‌کافی نیست بازشروع به مذاکرات‌می‌شودودریك مطلب بی‌ربطی مذاکره می‌شود اینجا یك مجلس‌مباحثه نیست که من هزار دلیل برای جنابعالی‌بیاورم‌که‌قرعه معنیش استخراج مجهول بغیر اختیاراست‌همین‌طور که در میان عرب (نساهم فکان من‌المدحضین) آیه قرآن است از هزار جای دیگر ترتیبات اقلام این‌هاتمام‌معنایش قرعه بوده‌است وهیچ این معناکه بدست می‌دهند نبوده است در کتاب ارث که می گویند باید بقرعه استخراج شود ودرقضیه عبدالله اینها تمام معنای قرعه است واین معنائی را که بعضی می گویند در قرآن ودرهیچ‌کتاب‌ولغتی نیست‌بنده می گویم‌این حرفها لازم نیست‌اما قرعه چیست اگر آقایان‌تأمل بفرمایند خواهند دید که کمیسیون از روی مأخذ صحیحی اظهار عقیده کرده‌است وآن دلایلی راهم که‌ذکر کردند در اینکه‌معنای قرعه شامل‌اکثریت هم می‌شودبه عقیده‌بنده‌قاطع این مذاکرات‌میشود این‌قدراین‌مذاکرات‌رایی کردن‌لازم نیست کمیسیون هم که‌در راپورت‌اظهار کرده‌است شامل است‌وباین مذاکرات ازعقیده‌خودش‌برنمی گردد حالاجنابعالی یك‌معنی خاصی در ذهنتان جایگیر شده است باشد تزلزلی درعقیده کمیسیون پیدا نمی کند دوباره‌از این مذاکرات را بنده‌اتلاف‌وقت می‌دانم خوب‌است اینرارای بگیرید اگر اتفاق آراء برای تمام‌پیدا شد که‌چه بهتر والا اقلا برای سه‌نفر یادونفر یایك نفر اتفاق حاصل خواهد شد آنوقت ازبرای مابقی وقتی که ناچار شدیم بقرعه معین کنیم در تعیین معنای قرعه رای گرفته شود هرطوریکه تصویب شد معین شود بنده واسطه از اشکالی که بین مجلس و کمیسیون‌مورد بحث‌است که‌باید باکثریت آراء انتخاب شود یا بشکل دیگر انتخاب شود بیرون میرویم حالا رای‌بگیرید اگر اتفاق آراء حاصل نشد درباره تمام اقلا درباره یکنفر دونفر حاصل خواهدشدآنوقت باقی‌مانده را بشکل‌دیگر انتخاب‌می کنیم ومذاکره دراین‌باب کافی‌است خوب است حالا رای بگیرید .

رئیس — در خصوص اینکه می فرمائید رای‌بگیریم‌شاید درباره دونفریاسه نفراتفاق آراء حاصل‌شودآنوقت درباره‌سایرین بقرعه‌اکثریت‌رفتار بشود گمان میکنم اگر یك مرتبه اخذ رأی شود واتفاق‌حاصل نشود بهمان یکمرتبه نباید اکتفاکرد برای اینکه برای این مسئله در انتخابات نظری داریم که در مواردی که‌اکثریت نام‌معتبراست‌اگر درمرتبه اول اکثریت‌تام حاصل نشد دومرتبه‌انتخاب کنیم و بازهم اگر اکثریت تام نشد دومرتبه سیم انتخاب‌میشود آنوقت بازهم اکثریت تام‌حاصل نشد باکثریت نسبی اکتفا میشود در این موضوع هم دومرتبه رأی میگیریم اگر اتفاق حاصل نشد آن وقت باید بیائیم بشکل دیگر معین میکنیم یابقرعه مصطلح‌یااینکه اگرمجلس اکثریت‌را قائم‌مقام‌قرعه دانست باکثریت انتخاب کنیم

آقا شیخ رضا — اولا از جناب‌حاجی‌آقا خواهش میکنم اوقاتشان تلخ نشود که بفرمایشات ایشان اعتراض میشود آنوقت عرض میکنم که‌قرعه بواسطه‌اوراق‌میشودچنانچه‌باسایرچیزهاهم‌میشودلکن چه‌جور اوراق تعین یا اوراق مثل این است که اگر ازبین صد گوسفند میخواهند یك عده‌از آنها معین کنند علامت میگذارند روی هر گوسفندی و وآن‌علامتهارا روی‌کاغذ میآورند بدون‌اینکه اعمال نظری درآن‌اوراق بشودووقتی که‌اوراق رانوشتند برای‌هریك‌از گوسفندهابدون‌اینکه‌اعمال نظری نمایند آنوقت آن‌اوراق رادریکدیگر مخلوط کرده‌وبادست هرعده‌را که میخواهند بیرون بیآورند هرچه بیرون آمد همان است وحرفی هم‌ندارند بجهت اینکه این بطور بخت‌و اتفاق است ویااینکه اینطریق از سایر طرق سهلتراست معنی‌قرعه این است‌ولی دراینجا که میگوئیم‌اگراتفاق‌حاصل‌نشدباید بابقرعه معین شود معنی قرعه این است که در اوراق اسامی این عده‌که معرفی شده‌اند مینویسند ویك‌نفر پنجورقه‌رااستخراج مینمایدو فلان آدم‌فلان آدم برای‌نظارت معین‌میشوند معنی اکثریت این است هر یك از نمایندگان بهر ملاحظه که‌در نظردارد یاخودش شناخته است‌که این مجتهد است و عالم بمقتضیات وقت است یا مثلا اعلم است ازروی اعمال نظر ووقت‌اسم پنجنفررا بنویسد آنوقت اینجا که‌خوانده میشود می بینیم که‌در یکعده اکثریت هست‌یا نیست واین راقرعه نمیشود گفت‌افکار کثیره بهر طرف که‌متوجه شد آنرا قرعه نمیگویند اشتباه فرمودند ترجیح‌نظر اکثربر اقل قرعه نیست زیرا که بنابر این اجماع را هم میشود قرعه گفت و حال اینکه این معنی قرعه نیست وقتیکه میخواهیم بطور اتفاق جمعی را انتخاب نمائیم آنوقت اکثریت را ازآن‌جهت مفیدمیدانیم که‌شاید نزدیکتر باشدبواقع وازاینرو آراء اکثررا مناط اعتبار میدانیم پس این معنی قرعه نیست‌واما‌مسئله اینکه‌اینجا سه‌دفعه‌یادودفعه قرعه بکشند چون اینمسئله در قانون اساسی نوشته شده است ودرهیچیك‌ازقوانین‌قیاسی هم‌صحیح‌نیست باید پس‌از آنکه اول یکمرتبه رأی گرفتیم و اتفاق

حاصل نشد آنوقت قرعه بکشیم و اما اینکه این آقایان رابعنوان اجتهاد معرفی کرده‌اند بنده که اغلب آنهارا باجتهاد نمیپذیرم‌و مخالفم وهر کس که باعقیده من همراه است ازاوست که اظهار نماید .

بهجت — عرض‌میکنم مادراینجا دولفظ داریم اتفاق‌وقرعه اما اتفاق اینکه گفته میشود اگردر مرتبه اول‌حاصل نشد باید تکرار شود اینکه ممکن نیست اگر من‌بگویم‌یك کسی‌منزل من آمد معلوم میشود یکدفعه آمده‌است نه‌دودفعه اما معنای قرعه لازم‌است شرحی عرض کنم معنی قرعه رابااستخراج بایددانست یااکثریت اگر اکثریت بدانیم یك‌معنی‌غلطی‌خواهد بود زیرا قرعه استخراج رأی‌است یکمرتبه چه‌یکنفر استخراج‌شود چه‌بیشتر ازیکنفربااستخراج‌یکچیزهائی است که‌یکنفر مینویسد اما‌اینکه‌آقای آقاشیخ‌ابراهیم فرمودند که‌معنی قرعه دردوسال پیش نوشته‌شده‌است ومقصود ازآن همین معنای معمولی هست‌در سابق‌هم بنده‌عرض کردم که‌در نظامنامه‌انتخابات‌معنی‌قرعه‌معین‌شده است بنده تمنا میکنم آن را بیاورند و بخوانند تامعلوم شود یکی دیگراتفاق آراء راکه میگویند در اول اگر حاصل نشد باید تکرار کرد آنوقت اگر نشد باکثریت‌انتخاب شود این مخالف‌قوانین مشروطیت خواهد بود زیرا لازم می آید که ما اکثریت را مغلوب اقلیت قرار بدهیم و قرعه راهم برای همین قرار داده اند که اکثریت را مغلوب اقل ننمایند و اینکه نوشته شده است بالا تفاق یا بقرعه یعنی اگر اتفاق‌آراء حاصل نشد بقرعه‌معین نمایند بجهت اینکه مادامی که اتفاق ممکن است دیگر قرعه‌لازم نیست پس اکثریت استخراج آراء است قرعه این است ولی قرعه را بحسب لغت یك معنائی است که ممکن‌است به بخت و اتفاق بشود و ممکن است بطورهای دیگر بشود و اما اینکه گفته می‌شود آقای آخوند نوشته‌اند باکثریت‌پس معلوم می شود که ایشان معنی قرعه را استخراج آراء فهمیده اند بنده عرض می کنم البته آقای آخوند قانون اساسی را مکرر دیده‌اند وباملاحظه قانون اساسی این فرمایش را کرده اند و مراد از قرعه را اکثریت ندانسته اند بجهت اینکه قرعه‌در دو وقت باید کشیده شود یکی در موقعیکه‌اختلاف آراء باشد و یکی هم درصورتی‌که اکثریت‌تامی نباشد آنوقت اسمها را می‌نویسند و بیرون‌میآورند در صورتی‌که اتفاق آراء حاصل نشود ومنجرشود باینکه بطور کمك استخراج کنیم این مخالف مشروطیت‌است وگمان‌میکنم‌که این‌را نمایندگان و هر کس که با من هم عقیده باشد تصویب نمایند .

کاشف — بنده خیلی متأسفم از اینکه به مباحثات الفاظ و چیز هائی که از بدیهیات است وقت خودمانرا تلف می کنیم این مذاکرات مکرر شده بود بازهم دو ساعت است که وقت خودمانرا الان دو ساعت می‌شود که صرف‌آن مکررات کرده ایم و در حالی که معنی لفظ قرعه معین است مامی خواهیم برخلاف آن تفسیر وتوجیه کنیم پریروزدر خارج یك‌قراری دادیم وکسانی که اطلاع باحوال این بیست نفر دارند تصدیق کردند که از هرجائی یك‌نفررا انتخاب نمایند مثل اینکه از نجف اشرف یکنفر را معین کردند از خراسان یکنفر و از اصفهان یکنفر و همین‌طور سایر جاها و هیچ‌مانع و ایرادی هم در این ترتیب نبود فقط یك نظری آنروز در این‌خصوص بود و آن این بود که این آقایان تماماً البته عالم به مقتضیات وقت هستندولی بینشانهم بعضی هستند که‌بالنسبه‌اعلمند و بایدرعایت آنهارا کرد که حتی‌الامکان آنهارا انتخاب کنیم اختلاف دیگری نبوده و با این تفصیل که هیچ اختلافی نبوده است نمی‌دانم چرا ما این مباحثاترا می کنیم و وقت خودمانرا تضییع می نمائیم و بنده یقین داشتم که اکثر در این خصوص همراهند و مخالفی نیست و همینطوری که عرض شد پنج‌نفررا قبول کردند که انتخاب نمایند حالیه دیگر مباحثه کردن بیش از این بعقیده بنده صورتی نداردا گر صلاح‌می‌دانیدابتداءرأی بگیرید براپورت کمیسیون که مراد قرعه معین شود با اینکه می دانم لازم برای گرفتن نیست و معنی آن واضح است و اگر چنانچه صلاح می‌دانید اول رأی بگیریدشایداتفاق آراء حاصل بشود اگر نشد آنوقت بقرعه یا به اکثریت هر طوری‌که مجلس تصویب نمود رأی گرفته شود .

رئیس — بنده امروز وقتی که مجلس منعقد شد بامید این بودم که عده کافی می‌شود و ازاین مذاکره چند روزه نتیجه خواهیم گرفت حالا می بینم که هرقدر تأمل می کنیم عده‌کافی نمی‌شود .

کاشف - بعضی ها در بیرون هستند بفرستید بیایند عده‌کافی میشود .

رئیس - بنده نمی‌دانم اگر هستندخبر کنید بیایند .

وکیل‌التجار - بنده چون احاطه درعبارت ومعنای‌لغوی و اصطلاحی کلمه قرعه ندارم اظهاری نمی کنم ولی همینطوریکه گفته شد اگر راجع به سابقه است درست در اکثریت هم آنرا استعمال کرده‌ایم‌اینکه‌جای‌اشکال‌نیست ولی‌یکمطلب‌دیگری که میخواستم‌خاطر آقایانرامتوجه‌آن کنم‌اینست که‌ما لفظی که درآن اشکالی برای مان پیدا میشود و چند معنا برای آن هست باید متوجه بیك معنائی شویم که فایده اش برای ما بهتر باشد ودر اینجا هم حتی‌الامکان اگر یك معنائی را قبول کنیم که ازآن معنی اخذ رأی با اکثریت مفهوم شود ولی معنائی باشد که غلط نباشد واین‌معنائی که‌اصطلاحاً برای لفظ قرعه است اگر ما بخواهیم بآن ترتیب رفتار کنیم نمیتوانیم نتیجهٔ را که مطلوب باشد بگیریم اگرچه تمام این بیست نفر را که معرفی کرده اند تمام عالم وعارف بمقتضیات وقت هستند ولی دراول توجه نظر هیچکس نمیتواند انکار کند که البته‌دربین این ۲۰ نفر تفاوتی هست مثل‌اینکه این تفاوت را بین ۱۰ نفر یا ۱۰۰ نفر یا ۱۰۰۰ نفر هم میتوانیم حاصل کنیم که دربین آنها لابد یکی عالم تر ازدیگری است پس اگر مابخواهیم رجوع کنیم بآن اصطلاحی که گفته شد وبآنقسم عمل کنیم ممکن است آن یك آدمی که بالنسبه از سایرین اعلم است ازدست مابرود و باین جهت یك چیز بزرگی ازماکم میشود که آن کسی‌راکه اعلم‌بوده‌است ازدست‌داده‌ایم درصورتی که وجودش ازبرای‌ماخیلی‌مفیدبوده‌است ومیتوانستیم‌ازمعلوماتش استفاده کنیم پس درصورتیکه بفرمایش آقایان معنای لغوی قرعه طوری است که میشوداکثریت راهم شامل باشد خوب است که مراد ازقرعه رادر اینجا اکثریت‌بگیریم برای اینکه این معنی برای ماافایده‌اش ازسایر معانی بهتر است اما درخصوص اینکه اتفاق آراء در مرتبه اول باید حاصل شود یااینکه دومرتبه وسه مرتبه رأی گرفته شود عقیده بنده این است که اگر در دفعه اول اتفاق حاصل نشد باید دومرتبه رأی گرفته شود بجهت اینکه اگرچه درقانون اساسی تصریح نشده ولی خیلی از چیزها است که‌توضیح‌وتصریح نشده مابایدآنطوری که معلوم ما است دراین موارد رفتار کنیم‌وبرای این‌مورد یاموارد دیگری‌را نظائر داریم مثل‌اینکه در انتخاباتی که اکثریت تام شرط است معمول‌ما این است که تاسه مرتبه رأی گرفته میشود درمرتبه سیم اگر اکثریت تام حاصل نشد باکثریت نسبی اکتفا میکنیم پس این معمول به ما است وبایددو مرتبه‌اخذ رأی شود اگراتفاق حاصل نشد درمرتبه سیم قرعه کشیده شود یاباکثریت تام انتخاب‌شوند اگر بخواهیم برخلاف آن رفتارکنیم خلاف‌معمول خواهد بود .

آقامحمد - بنده‌عرض می کنم‌این‌مذاکرات درتعیین مراد ازکلمه قرعه بیشتر اسباب تعویق‌شده است بعقیده بنده چون این دستخط از آقایان علماء رسیده است و البته بنظر ایشان چیزی رسیده است که این طور نوشته اند خوب است تلگرافی‌بشود ازطرف مجلس بآیةالله آقای‌آخوند که در قانون اساسی نوشته شده‌است که‌این ۵ نفر باید باتفاق آراءبقرعه معین شود ودر دستخط شما ذکر شده‌است که باکثریت یا بقرعه مقصود ازاین اکثریت که‌دراین‌جانوشته‌ایدچیست ومعنای قرعه‌را چه میدانید آن وقت هر قسمی که جواب دادند معمول شود .

رئیس — عرض کنم اولا اگر این فرمایش را برای تعویق میفرمائید که پیش ازین تعویق‌در این باب نشود دیگر پیش از این تعویق‌نخواهدشد بجهت اینکه مذاکرات بطور کافی شده‌است‌حالایك رأی گرفتن لازم است وامروز عقیده بنده این‌است که ظاهراً اکثریت حاصل نخواهد شد یعنی عده برای اخذ رأی کافی نمیشود که رأی بگیریم‌واین موضوع راختم کنیم ولی‌دراول جلسه که عده‌برای رأی کافی‌شود این انتخاب‌را میکنیم‌اما درباب‌سئوال ازآقای‌آخوند گمان‌میکنم که این‌هم ضرورت‌نداشته باشد بجهت اینکه یك چیزی که در قانون اساسی نوشته شده است وبین نمایندگان در آن خصوص اختلاف نظر پیدا میشودحل آن مخصوص به‌مجلس شورای ملی است که‌تفسیر نمایند و رأی سایرین را مدخلیتی درتفسیر اصول قوانین اساسی نیست و اینکه بایشان اطلاع بدهیم اگر برای این است که‌رای ایشان راهم بدانیم ورأی ایشان قوتی‌بآراء نمایندگان‌بدهد ممکن‌است ولی طور دیگر ممکن نیست حالا هم‌گمان می کنم که مذاکرات کافی‌است

چون عده امروز برای اخذ رأی کافی نیست می گذاریم از برای جلسه که عده کافی حاضر شوند ولی همین قدر از آقایان خواهش می شود که آقایان این را در نظر داشته باشند که در جلسه دیگری که باید رأی گرفته شود انتخاب کنیم داخل مذاکرات نشویم فقط رأی بگیریم و باید در دو چیز رأی گرفت یکی اینکه معنای قرعه را همانطور که در راپورت ذکر شده است و رأی بگیریم که مراد قرعه مصطلح است یا اکثریت راهم شامل است آن وقت اگر امر دائر شد بین اتفاق و قرعه مصطلح رأی می گیریم در اینکه در اول دفعه اگر اتفاق آراء حاصل نشد بهمان اکتفا می شود یا اینکه باید دو مرتبه یا سه مرتبه رأی گرفت آنوقت اگر اتفاق آراء حاصل نشد بقرعه معین میشوند حالا هم که عده چنانچه عرض کردم برای اخذ رأی کافی نیست که این موضوع را امروز ختم کنیم و در موضوع دیگر هم هر قدر مذاکره شود گمان نمیکنم ثمری داشته باشد

معز الملك - بعقیده بنده مجلس شورای ملی می تواند داخل یك موضوع دیگری شود و آن این است که در قانون اساسی نوشته شده است که عده وقتی برای اخذ رأی کافی است که سه ربع از اعضاء در مجلس حضور داشته باشند این مسئله را باید مجلس شورای ملی حل نماید که مراد از اعضاء اشخاصی هستند که در طهران حضور دارند یا این که اشخاصی هم که مرخصی گرفته اند محسوب میشوند یعنی باید سه ربع از اعضائی که به نمایندگی مجلس شورای ملی منتخبند اعم از آنکه در طهران یا جای دیگر باشند حاضر شوند و مثلا اگر با اکثریت سه ربع از پنجاه و پنج نفر نمایندگان حاضر در طهران رأی بگیریم و آنوقت از کسانی که مرخصی گرفته اند استمزاج حاصل کنیم و آنها تصویب نمایند اکثریت حاصل نخواهد شد یا اینکه رأی آنها در مدت غیبت ساقط است بعقیده بنده این مسئله اگر حل شود خیلی کار آسان میشود و دیگر این طور دچار اشکال نمیشویم که الان مدتی است وقت مجلس را بهمین جهت تلف کرده ایم و همین طور رأی در خصوص تعیین مراد از قرعه و اتفاق آراء و انتخاب هیئت نظار بجلسه آتیه موکول گردید خوب است آقایان نمایندگان اذهان خودشان را مستعد کنند که در آن جلسه در این خصوص نیز مذاکره شده رأی گرفته شود این تکلیف توضیح بشود .

رئیس - در هر صورت داخل شدن در مذاکره دیگر ضرری ندارد ولیکن هیچ نتیجه حاصل نخواهد شد .

ارباب کیخسرو - بنده در لفظ قرعه حرف ندارم بنده اگر چه در عربیت ربطی ندارم ولی قانون اساسی ما بفارسی نوشته شده است و در اصل ۶ و ۷ قانون اساسی و اصل ۲ متمم اکثریت آراء و اتفاق و قرعه هر سه ذکر شده است پس ما نمیتوانیم مراد از قرعه را در آنجا اکثریت بدانیم و معلوم می شود مراد از قرعه که در این جا نوشته اند همان معنی مصطلح است .

صنیع الدوله — بنده همین قدر عرض می کنم که مدتی از آن زمانی که از این قانون وضع شده است نگذشته و یك عده از همان اشخاصیکه در زمان وضع این قانون در آنوقت بودند الان تشریف دارند و میدانند که وقتی که رسیدند باین اصل آقایان اظهار نمودند اگر ما این را بگذاریم بانتخاب با اکثریت تام این یك وهنی است برای این هیئت نظار از این جهت انتخاب این عده یا باید باتفاق آراء بشود یا بقرعه که اگر باتفاق نشد اظهار رأی در باره یکی از آنهائی که معرفی شده اند نشود .

محمدهاشم میرزا - چون دیگر نباید مذاکره شود عرضی ندارم ولی یك اشتباهی در آنجا شده است که لازم نیست عرض کنم اینکه گفتند چون آقایان دستخط کرده اند با اکثریت یا بقرعه پس خوب است از ایشان سئوال شود مراد از قرعه و اکثریت چیست بنده عقیده ام این است که لازم نیست بواسطه اینکه در دستخط آقایان تصریح شده که بموجب اصل ۲ قانون اساسی و در این تصریح شده است که بالاتفاق یا بحکم قرعه دیگر محتاج باین نیست که ما از آنجا سئوال کنیم و توضیح بخواهیم واما این موضوعی را که می فرمایند که مراد از قرعه اکثریت است بنده میخواهم بپرسم اگر آمدید و انتخاب کردید نه اتفاق حاصل شد نه اکثریت تام تساوی آراء شد در آنجا چه خواهید کرد ناچار باید بقرعه مصطلح معین نمائید پس معلوم می شود مراد از کلمه قرعه در اینجا همان معنی حاصل است که معمول به ما است .

رئیس - عده هم کافی شد برای رأی گرفتن حالا رأی می گیریم و تکلیف معلوم می شود

حاجی سید نصرالله — ما سه چیز در این جا داریم اتفاق آراء اکثریت تام قرعه اینها در عوض یك دیگرند و اگر آقایانی که اشکالات میفرمایند تأمل بکنند می بینند که قرعه و اکثریت حال اصل و فرع را دارد اکثریت فرع قرعه است و ما نمیتوانیم طوری آن را معنی کنیم که شامل اکثریت هم بشود و همانطوریکه آقای صنیع الدوله فرمودند وقتی که این اصل را مینوشتیم آقایان ملاحظه کردند که اگر ما این انتخاب را با اکثریت آراء قرار بدهیم آن عده که این ۵ نفر را ردمی کنند یعنی اسم ایشان را نمی نویسند یك وهنی برای این ۵ نفر میشود این بود که پس از مذاکرات زیاد آمدند و گفتند این انتخاب بالاتفاق باشد یا بحکم قرعه که انگشت رد بسینه هیچ یك از آقایان گذاشته نشود حالا این را که آقای آخوند نوشتند بنده گمان می کنم که برایشان هم این نکته پوشیده نیست ولی چون می دانند که اتفاق آراء حاصل نشد با اکثریت آراء یا بقرعه نوشتند که بقدر امکان نتیجه مطلوب حاصل شود وآنچه اعتقاد من است این است که بعد از آنی که مأیوس شدید از اینکه اتفاق آراء حاصل شود ناچار باید با اکثریت انتخاب نمائیم بواسطه اینکه معمول ما این است و با اکثریت هم اگر باشد باز تا یك اندازه ممکن است یك نتیجه مطلوبی بگیریم و باید رأی بدهیم که اکثریت قائم مقام قرعه است والا نمی شود قرعه را طوری بنا کرد که شامل اکثریت هم باشد بجهت اینکه معنای قرعه یقین است که فقط مبنی به بخت و اتفاق باشد و مسبوق باراده شاعر و موبدی نباشد ولی حالا ما که در این کار وارد شدیم اولا رجوع می کنیم باتفاق آراء اگر حاصل شد چه بهتر و اگر نشد رأی بدهیم که اکثریت قائم مقام قرعه باشد و اینقدر مذاکره را هم صلاح نمیدانم بجهت اینکه جز اتلاف وقت نتیجه دیگری ندارد اول رأی بگیرید اگر اتفاق شد که فبها والا رأی میدهیم که اکثریت قائم مقام قرعه باشد و با اکثریت آراء انتخاب میکنیم تاخیر این انتخاب را هم بیش از این بنده صلاح نمیدانم .

رئیس — گویا آقای حاج آقا یك پیشنهادی کرده اند که اول رأی بگیریم اگر اتفاق حاصل نشد آنوقت در کلیه قرعه مذاکره کرده رأی بگیریم و گویا مجلس که با این رأی موافقت داشته باشد (اکثر تصدیق کردند)

آقا شیخ محمد حسین یزدی — این مسئله که مکرر مذاکره میشود که اگر مراد از قرعه را اکثریت بگیریم بهتر است بنده این عقیده را ندارم بجهت اینکه این آقایانیکه بمجلس معرفی شده اند تمام دارای شرایط مقرره در قانون اساسی هستند و همه خوبند و مشروطه خواهند و اگر بقرعه معین شود بهر کدام از ایشان که بیفتد نتیجه مطلوبه حاصل میشود والا اگر این طرزها بخواهیم در کلمه قرعه مذاکره بکنیم یا اینکه از آقایان نجف سئوال نمائیم یك سال بلکه تا آخر این دوره طول خواهد کشید آقایان بلادهم مختلفند بجهت اینکه بعضی هاشان را شاید ما نخواهیم که بیایند بجهت اینکه وجودشان در آنجا اهمیت دارد و اگر در آنجا نباشند شاید تولید بعضی از محظورات بشود و بعضی ها هم شاید خودشان مایل بآمدن نباشند پس عقیده من این است اگر رأی گرفتیم و اتفاق حاصل نشد و ناچار شدیم که بقرعه معین کنیم چون در قانون اساسی نوشته نشده است که عددیرا که مجلس معین میکند زائد بر ۵ نباید باشد ممکن است که ماده یا هشت نفر را بقرعه معین کنیم که اگر چند نفری بواسطه محظوراتی که داشتند نتوانستند بیایند لااقل ۵ نفری برای ما باقی بماند اما مسئله اکثریت عقیده ام این است که خیلی خوب ممکن است از عبارت بیرون بیاوریم و جواب اعتراضات را هم میشود داد

رئیس — اینکه میفرمائید زائد بر ۵ نفر را بقرعه معین کنیم بسته برای مجلس است اگر تصویب نماید چه ضرر دارد

وکیل التجار - این فرمایش ایشان اشکالی ندارد و محتاج باین نیست که بیش از ۵ نفر را بقرعه معین کنیم یا اول ۵ نفر را معین میکنیم و اطلاع میدهیم بعد هر کدام که نتوانستند بیایند و نیامدند عوض آنها را ثانیاً بقرعه معین میکنیم

رئیس — حالا چون عده کافی است برای اینکه بیش از این تعویق نشود شروع بانتخاب میکنیم ابتداء یك مرتبه رأی گرفته میشود شاید اتفاق آراء حاصل شود

آقا شیخ حسین یزدی — حالا که میخواهید انتخاب کنید لازم است این را عرض کنم آقا میرزا محمد بهبهانی حتماً باید در این انتخاب باشد اگر نباشد بمجلس بر میخورد

وکیل التجار - حتماً که نمیشود .

(ورقه رأی توزیع واخذ شده آقایان آقاسید محمد باقرادیب ـ حاج شیخ الرئیس ـ آقا سیدجلیل بقرعه برای استخراج آراء معین شدند)

عده اوراق ۵۹

(گفته شد عده برای اخذ رأی کافی نبوده بواسطه اینکه ۳ ربع ازاعضاء حضورنداشتند بعد از احصاء معلوم شد عده کافی نبوده.)

رئیس — چون عده برای اخذ رأی کافی نبوده این آراء باطل است.

آقاشیخ حسین — خوب است همین اوراق را بفرمائید بخوانند برای اینکه یك مظنه بدست میاید که اتفاق آراء حاصل میشود یا خیر و شاید طوری شود که در مرتبه دیگر که انتخاب میشود باتفاق انتخاب شوند.

رئیس — بعد از آنی که آراء باطل شد دیگر نمیشود خواند.

(اکثر تصدیق کردند و اوراق توقیف شد)

حاج شیخ الرئیس ـ خیلی شایسته است که درباره انتخاب هیئت نظار یك اتفاقی حاصل شود وتحصیل آن بعقیده بنده باینطور ممکن است که اگر نمایندگان محترم تصویب میفرمایند از هر شعبه دو نفری را که خودشان میدانند به اتفاق معین کنند برای تفتیش حالات ومقامات این آقایان وهرعده راکه این منتخبین تصدیق کردند وپذیرفتند رای آن دو نفر را آن شعبه که آنهارا معین نموده رأی خود میدانند وقبول کنند ورأی بدهند باین ترتیب اگرعمل بشود بعقیده بنده ممکن است یك اتفاقی حاصل شود.

رئیس — در هرموردی بهتر این است که نمایندگان مطالبی را که باید درمجلس مطرح شود مذاکره کرده تبادل افکار نمایند خصوص دراین مسئله که خیلی لازم است.

وکیل الرعایا — بنده تعجب دارم از این اختلافاتیکه می بینم وآن این است که قانون اساسی مارا به لسان قوم که اکثرشان مثل بنده اند نوشته اند وخیلی واضح است مثل اینکه آقای صنیع الدوله معنی قرعه رافرمودند وهمان است که گفتند وگمان نمیکنم که اگر بقرعه معمولی معین شودنتیجه مطلوب بدست بیاید بجهت اینکه تعیین این اشخاص را ما بدست یك صرافان بهتراز خودمان که آنهاچون بصیر هستند بیست نفراشخاص راکه شایسته ودارای شرایط معتبره میدانند بمجلس معرفی نمایند آنوقت مجلس ازبین آنها پنج نفررا انتخاب نمایند وبااین ترتیب آن مفهومی راکه بعضیها تصور میکنند بنده تصور نمیکنم برای اینکه این درحقیقت دومرتبه انتخاب شده است وتمام اینهاهم اشخاصی هستند که شرایط معتبره درآنها جمع است دیگر اینکه دریك همچو وقتی که مدتی است وقت مجلس راصرف اینمذاکرات کرده ایم که بعداز آنیکه مذاکرات راکافی دانستیم ومیخواهیم انتخاب نمائیم مدتی است معطلیم که عده کافی شود ویا چسبیده ایم باینکه بایدسه ربع ازاعضا که حاضرند ومرخصی گرفته اند حاضر شوند تاعده برای رأی کافی شود بنده یك همچو چیزی را هیچ درست نمیدانم که بواسطه آنمجلس را معطل کنیم معنی حضار که درقانون اساسی است یعنی سه ربع ازآن اشخاصیکه درپایتخت یعنی طهران حاضرندو الا کسی که مرخصی گرفته وباصفهان رفته است چطور میشود اورا جزء حضار محسوب نمود این معانی را نمیدانم کی بقانون اساسی می چسباند ووقت مارا تلف میکنند دیگر اینکه اینطور که مامذاکرات می کنیم گویا منتظریم که یك شخصی مارا بکند توی اتاقی واوراق رأی مارا بسوزاند دودش راکه ببینند آن وقت میگوید آقایان کی را انتخاب کردید آنوقت مامیگوئیم فلان وفلان را دادید معلوم نیست که ما با این مذاکرات خیال ختم این مطلب را داشته باشیم اینقدر مذاکره کردن لازم نیست عبارت قانون اساسی فارسی نوشته شده وواضح است رأی بگیرید اگر اتفاق حاصل نشدبقرعه معین کنید.

رئیس — این که در خصوص قرعه فرمودید این مسلم است که ماهرقدر مذاکره کنیم اتفاق آراء حاصل نخواهد شد وخواهش میکنم در جلسه دیگر که دو مرتبه آمدند بر این مطلب دیگر داخل نشوند وفوراً شروع بکارکرده انتخاب کنیم اگر اتفاق آراء حاصل شد که فبها والا بقرعه یا باکثریت هرطورکه مجلس رأی داده عمل راخاتم کنیم امادر مسئله که فرمودندکه باید سه ربع از اعضاء حاضره در طهران حاضر شوند تا اینکه عده کافی شود و اشخاصیکه مرخصی گرفته اند از حضار محسوب نمی شوند اینطورنمی شودبواسطه اینکه فرض بفرمائید تمام وکلامرخصی گرفتندورفتندفقط ۱ نفر باقی مانده آن وقت باسه ربع ۲۵ نفر چطور میشود انتخاب کرد درقانون اساسی هم که همچو چیزی معلوم نیست نوشته شده باشد.

ارباب کیخسرو — اینکه فرمودنددرقانون اساسی همچوچیزی نیست که سه ربع از اعضاءمجلس باید برای اخذ رأی حاضر باشند اینجادر اصل ۷ قانون اساسی مینویسد که هنگام تحصیل رأی ۳ ربع از اعضاءباید حاضر بوده واکثریت آراءوقتی حاصل میشودکه بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند ودر صورتیکه درقانون اساسی تصریح شده است دیگر ما چطور میتوانیم برخلاف آن عمل کنیم دیگر اینکه همین طورکه فرمودید خوب است تأکید شود جلسه دیگر را همین که عده کافی شد شروع بانتخاب کنیم ودیگرداخل مذاکرات نشویم

رئیس — در باب حضور سه ربع ازاعضاء اینکه فرمودید معلوم شدحق بجانب بنده بود که گفتم همچو چیزی نمی شود ودر قانون اساسی هم نباید نوشته شده باشددرخصوص انتخاب هم همانطوری که درجلسه دیگر همینکه عده کافی شد فوراً شروع بانتخاب میشود ودیگر داخل مذاکرات نخواهیم شد دستور جلسه آتیه هم همان دستور سابق است

[رئیس حرکت کرد ونیمساعت قبل از ظهر مجلس ختم شد]

جلسه ۱۲۷
صورت مشروح روز پنجشنبه
پنجم شهرشعبان ۱۳۲۸

مجلس یك ساعت قبل از ظهر درتحت ریاست آقای ذکاءالملك تشکیل شد وصورت مجلس روز شنبه سلخ رجب را آقای معاضدالملك قرائت نمود

رئیس — درباب صورت مجلس اگرملاحظه هست بفرمائید.

محمد هاشم میرزا — بنده درباب دیر آمدن وکلا عرض میکنم خوب است زیاده بر این شصت نفر نمایندگان را معطل نکنند اینطورکه نمی شود سه ساعت از دسته گذشته ما بیائیم بمجلس در صورتیکه چهارساعت قبل از ظهر ما راخبرمیکنند و می آئیم و تا بحال معطلیم که عده کافی شوداین طور نمایندگان را بنده لازم می دانم که صورت اسامی آنها را در روزنامه های محلی درج کنند تا عموم مردم از حال آنها مطلع شوند و عرض دیگر بنده این است که تأکید بفرمائید بوزارت داخله که وکلای سایر ولایات را بخواهند (گفتند صحیح است)

رئیس — بعضی از آقایان هستند که اجازه خواسته اند ومرخصی گرفته اند که غایب میشوند یا دیر می آیند بدون اجازه و همین سبب میشودکه ما نتوانیم مجلس را منعقد نمائیم وبایدخودشان در صدد این باشند که بتکلیف خودشان عمل کنند و بسه موقع تشریف بیاورند چون که کار مجلس عبارت از این است که بعد از مذاکره دریك مسئله رأی بدهند ورأی هم منوط است باینکه سه ربع از اعضاء حاضر شوند والا آن مذاکرات ووقت مجلس لغو میشود و همینطور که سرکار والا اظهار فرمودند بنده هم اعتقادم این است که این آقایان محترم هستند وخودشان باید ملاحظه خودشان را بفرمایند وبعد ازاین مراقب میشویم آقایانیکه سر وقت حاضر نمیشوند اسامی ایشان را در اینجا بخوانیم حالا اشخاصی که امروز حاضر نیستند و بدون عذرتشریف نیاورده اند اسامی ایشان ازقراری است که عرض می کنم:

وحیدالملك ـ مستشارالدوله ـ ممتازالدوله ـ مؤتمن الملك ـ ناصر الاسلام ـ ابوالقاسم میرزا علی اکبرخان دهخدا ـ مشیرالدوله ـ حالاکه مجلس منعقد شده است فقط مجلس حاضراست که در باب هیئت نظار رأی بگیرند اگر یك نفر غایب شود نمی توانیم رأی بگیریم خواهش می کنم که خارج نشوند تا رأی گرفته شود.

میرزا اسدالله خان کردستانی ـ درباب دهخدا که فرمودید غایب هستند چندی است که ناخوش هستند.

رئیس — خوب بود باداره مباشرت اطلاع میدادند.

اسدالله خان — کسی را نداشتند که خبر بدهند.

ارباب کیخسرو — درباب غائبین فرمودند بعضی اجازه دارند دراین باب هم حرف دارم بنا نیست که هرکس بخواهد اجازه گرفته غیبت نماید اگرعذر موجهی دارند بفرمایند اجازه باید بگیرند یا عذر موجهی داشته باشند وکلاء امروز غیر از وکالت کار دیگری نباید داشته باشند اگر کاری دارند ونمی توانند بوظیفه وکالت عمل کنند ازوکالت استعفا بدهند.

(گفتند صحیح است)

افتخارالواعظین — یگانه علاج برای جلوگیری ازغیبت وکلا همان لایحه است که ارباب کیخسرو پیشنهادکرده اند اگر ازمجلس بگذرد آنوقت کفایت خواهد کرد.